

«فرهنگیختگان» منتشر می کند

واقعیت ماجرای فک پلمب چشمه



عاطفه جعفری

خبرنگار گروه فرهنگ

نیمه‌های آذرمه بود، فراخوانی سه روزه برای

اعتصابات سراسری در فضای مجازی منتشر

شد. قابل پیش‌بینی بود که جریان واقعی جامعه

ایران با این موج مجازی فراخوان همراهی نخواهد کرد. اما جریان رسانه‌ای خارج از جغرافیای

ایران، به دنبال بهره‌کشی سیاسی بود و طبیعتاً از پوشش هر گونه واقعه‌ای مرتبط با این

فراخوان چشم‌پوشی نمی‌کرد. از مهم‌ترین اتفاقات فرهنگی که در این روزها رقم خورد،

در رسانه‌های خارجی تحت عنوان پلمب نشر چشمه انتشار حداکثری یافت. اما در پس

ایسن اتفاق، چه روی داده بود و واقعیت‌های این بحران‌نمایی در حوزه فرهنگ چه بود که

رسانه‌های خارجی از آن بهره‌می‌بردند؟ فارغ از اینکه مقدر وقایع این روزهای فرهنگ

برآمده از جریان‌هایی خارج از حوزه مدیریت فرهنگ است، بررسی این اتفاق از این جهت

اهمیت دارد که بخش‌هایی از جریان مدیریت در حوزه فرهنگی، به نسبت سایر وقایع مشابه،

واکنش به‌هنگامی داشتند. وقتی جریان فعال فرهنگی در کشور، مدیران‌شان را کنار خود

ببیند، هم احساس دلگرمی خواهند کرد و هم اینکه آنها را صاحب‌منصبانی صاحب نفوذ و

اعتبار در حاکمیت خواهند دید که در بحران‌های مختلف محل رجوع اهالی هنر هستند.

آغاز ماجرا و اعلام انبارگردانی

برای روزهای ۱۵، ۱۴ و ۱۶ آذر، فراخوانی در فضای مجازی به‌عنوان

اعتصابات سراسری اصناف منتشر شد. نشر چشمه در صفحه

اینستاگرامش مطلبی را منتشر کرد و با درج تاریخ این سه روز از

انبارگردانی در شعبه کریم‌خان‌ش خبر داد و نوشت: «برای این سه روز

انبارگردانی داریم و تعطیل هستیم»، این اتفاق یک روز قبل از شروع

این فراخوان و در سیزده آذر اعلام شد. این انبارگردانی که همزمان با

فراخوان اعتصابات بود در فضای مجازی بازخورد‌های زیادی داشت و

باعث شد تا خیلی‌ها نسبت به این کار فروشگاه چشمه موضع بگیرند

و نقدهایی هم داشته باشند.

چند ساعت بعد از انتشار این خبر و شروع حواشی بسیار در فضای مجازی،

نشر چشمه اعلام کرد که انبارگردانی به روز دیگری موکول شده است و

فروشگاه‌ها است. اما چه اتفاقی افتاد که این فروشگاه مشهور کتاب، دوباره

باز شد؟ طبق گزارش‌هایی که به «فرهنگیختگان» رسیده است، وزارت ارشاد

در همان روز، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران را دعوت و نسبت

به عواقب این رفتار نشر چشمه در فضای رسانه صحبت می‌کند. رئیس

اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران هم با مدیریت نشر صحبت می‌کند

و آنها نیز همکاری لازم را داشته و این استوری برداشته می‌شود و اعلام

می‌کنند که انجام انبارگردانی به زمان دیگری موکول شد.

صحبت‌ها و گفتگوهایی که وزارت ارشاد و اتحادیه ناشران داشتند، بسیار

مثمر‌تر بود و توانستند با همکاری هم مسئله‌ای که می‌توانست تبدیل به

بحران شود را مدیریت کنند. البته معاونت فرهنگی وزارت ارشاد باز هم سعی

کرد با رصد همه‌جانبه بازار نشر به مسائل ورود کند. این معاونت، صبح روز

چهاردهم با رصد کتابفروشی‌ها در راسته انقلاب و کریم‌خان، تلاش کرد تا

این کار را به‌درستی انجام دهد و اگر ناشری نیاز به تذکر داشت، این تذکرها

از جانب جریان صنفی مثل اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به مدیران

نشر منتقل شود. تلاش‌ها با گفتگو پیش می‌رفت. البته در این میان چند

مورد محدود وجود داشت که به هیأت رسیدگی به تخلفات ناشران دعوت

شدند و تذکره‌های لازم داده شد.

است که برخی از اعضای کانون در فضای مجازی خود را قهرمان

این اتفاق معرفی کردند و مدعی شدند که بیانیه آنها باعث فک

پلمب نشر چشمه شده است. همان‌طور که شرح داده شد، روند

کار به گونه دیگری رقم خورد. کانون نویسندگان سال‌ها است که

مدعی حمایت از روایت‌های واقعی است و مخالف هرگونه سانسوری

است. اما در واقعیت، وقتی می‌خواهد از ناشری دفاع کند، بدون

اینکه همه واقعبین را ببیند، بخش‌های مهمی از اتفاقی که رقم

خورده را سانسور می‌کند. کانون نویسندگان ترجیح می‌دهد که

همکاری، تعامل و همراهی مدیران فرهنگی با نشر چشمه را سانسور

کند چون نمی‌تواند این بخش از واقعیت جریان فرهنگی کشور را

بمنفع خودش مصادره سیاسی کند.

ماهی گرفتن از آب گل‌آلود

یک نکته‌ای که در ماجرای اخیر شاهدش بودیم، سوءاستفاده برخی

از کانون‌ها و انجمن‌های ورشکسته‌ای بود که به دنبال ماهی گرفتن

از آب گل‌آلود بودند. کانون نویسندگان بیانیه‌ای منتشر کرد که

نشان از بی‌خبری نسبت به اصل ماجرا بود. بیانیه‌ای که نسبت

به اقدامات و همراهی مدیران فرهنگی با جریان نشر بی‌خبر بود.

بیانیه‌نویس کانون بی‌خبر از متن واقعی جامعه امروز ایران، اگر

کمی در همان فضای مجازی جست‌وجو می‌کرد، متوجه می‌شد

که روند این اتفاقات چطور پیش رفته است و حتی وزارت ارشاد از

ماجرای پلمب و برخورد فراجا خبر نداشته است. واضح است که

جریان‌های ورشکسته فرهنگی، حیات‌شان متصل به بیانیه‌نویسی و

بهره‌مندی از التهابات خارج از حوزه فرهنگ باشد. اما خنده‌دار این

ماجرای پلمب چه بود؟

که ناشران به وزارتخانه دارند را تقویت کند و باعث اعتماد بیشتر به تدبیر

مدیران این مجموعه شد.

یاسر احمدوند معاون فرهنگی وزیر ارشاد در گفت‌وگویی که با جماران انجام

داد هم به تشریح این اتفاق پرداخت و در این مورد گفت: «پلمب نشر چشمه

بدون هماهنگی با وزارت ارشاد بود. تلاش ما این بود که هر چه زودتر مشکل

این کتابفروشی حل شود. در مجموعه معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و

ارشاد، به واسطه ارتباط خوب با ناشران و نویسندگان تلاش کردیم تا جایی

که امکان دارد فضایی برای ورود قوه قضائیه ایجاد نشود، همه تلاش ما

این بوده که در این فضا کار هیچ فعالی به حوزه‌های قضایی نبفتد. وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی علاقه‌مند است که همه فعالان فرهنگی و هنری

در شرایط مناسب به کارشان برگردند و دوست نداریم حتی یک هنرمند

هم بازداشت شود یا در زندان باشد. این به هیچ وجه مورد علاقه و تأیید

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست، مگر جرائمی غیر از جرائم فرهنگی

و هنری متوجه آنان باشد که در اینجا مرجع تشخیص، قوه قضائیه است.»

نشر چشمه، استوری انبارگردانی را برداشت، اما به علت انتشار این خبر در

شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارجی، مدیریت اتفاقات به محدوده‌ای

خارج از جغرافیای فرهنگی کشید. نهایتاً پلمب نشر چشمه از جایی خارج

از محدوده مدیریتی وزارت ارشاد رقم خورده و فراجا (فرماندهی انتظامی

جمهوری اسلامی ایران) به مسئله ورود کرده بود. به گفته مدیران دولتی،

وزارت ارشاد بعد از پلمب از این ماجرا اطلاع پیدا می‌کند.

مطمئناً در این قضیه ضرورت داشت که هم وزارت ارشاد از این قضیه

مطلع شود و هم اینکه دستگاه انتظامی باید با دقت نظر فرهنگی و توجه

به حساسیت‌های رسانه‌ای به این مساله ورود می‌کرد. متأسفانه این اتفاق

نیفتاد و پلمب نشر چشمه انجام شد. بعد از این رویداد، تلاش‌های فراوانی

در معاونت فرهنگی وزارت ارشاد صورت گرفت که به نتیجه رسید و فک

پلمب اتفاق افتاد و پنجشنبه بعد از ظهر فروشگاه نشر چشمه باز شد.

نمونه‌ای موفق از حضور موثر مدیران به یک مساله مهم فرهنگی در این

قضیه مشهود است. رابطه نزدیک وزارت ارشاد و ناشران توانست اعتمادی

چرا گفت‌وگو می‌تواند کمک‌کننده باشد

در گفت‌وگویی در مورد این موضوع می‌گوید: «خوشبختانه نگاه ما در وزارت

ارشاد این است که به‌رغم تفاوت سلاقی، چهارچوب‌ها و دیدگاه‌های وزارت

ارشاد و معاونت فرهنگی به‌طور خاص اداره کل توسعه کتاب و کتابخوانی

وزارت ارشاد رابطه نزدیکی دارند. یعنی دائماً چه بنده و چه دکتر احمدوند با

ناشران در طول هفته مکرر جلساتی را با قشرها و نگارش‌های مختلف داریم و

این فضای تفاهم است. انتظار ما از دسته‌های دیگر با حفظ استقلال و شأن

و جایگاه مهم و تعیین‌کننده‌ای که دارند این است که در حوزه فرهنگ مشورت

بگیرند. حداقل از دستگاه تخصصی حوزه فرهنگ مشورت بگیرند و در این قضیه

همراه خوبی می‌توانیم برای آنها باشیم و مشورت‌های خوبی به آنها بدهیم و

اطلاعات دقیق‌تری به آنها بدهیم. می‌توانیم نسبت به این مسائل نکاتی را بیان

کنیم که حتماً به تصمیم بهتر و مفیدتری می‌توان رسید.»

اتفاقاتی که در قضیه پلمب نشر چشمه رخ داد، نشان داد که جریان‌ات فرهنگی

و مدیران می‌توانند در تعاملی دوسویه با یکدیگر همراه شوند و از نزاع کردن

دور باشند. همه ما می‌دانیم که خیابان انقلاب جای مهمی در تهران است و

اکثریت کسانی که در این راسته کار می‌کنند، ناشر و کتابفروش هستند. ضمن

اینکه نمی‌توان منکر این شد که ناشران و کتابفروشان این راسته نقش مهم و

اثرگذاری در فضای اجتماعی رسانه‌ای دارند. اقداماتی که معاونت فرهنگی با

همراهی اتحادیه ناشران انجام داد، باعث شد تا آن جریان‌ات خارجی که به دنبال

سوءاستفاده سیاسی هستند، نتوانند جریان فعال نشر را به تعطیلی بکشانند.

ناشران و کتابفروشان خیابان انقلاب علی‌رغم این کارشکنی‌ها به فعالیت خود

ادامه دادند. گفت‌وگو کردن با سلاقی مختلف مطمئن‌امی تواند تأثیرگذار باشد،

ظرفیانی مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

«فاطمه فاطمه است» چگونه نوشته شد؟

او ادامه می‌دهد: «فرزند و همسر کسی بودن ملاک نیست

زیراپیامبر سه‌دختر داشت که دوتای آنان نصیب عثمان بود

و علی جز فاطمه زنان دیگر داشت. او خود در کنار محمد و

علی ارزش‌های تازه فرهنگ انسان را بنا نهاد. ارزش‌های

او را پیامبر و علی می‌دانستند و احترام می‌گذاشتند، نه به

خاطر آنکه دختر و همسر آن دو بود، بلکه احترامی جدی به

ارزش‌های شخصیتی فاطمه می‌گذاشتند. آنها فاطمه را

به‌عنوان یک شخصیت مستقل می‌بینند.»

یکی از نقدهایی که این نویسنده مطرح می‌کند، این است

که چهره واقعی حضرت فاطمه (س) ناشناخته‌مانده است. او

معتقد است حضرت فاطمه الگوی برای زنان است اما درباره

آنچه از وی باید آموخت هیچ سخنی نگفته‌اند.

شریعتی همچنین در کتابش نقش جایگاه یک زن در جامعه

عرب را مورد توجه قرار داده است. او با اشاره به این موضوع

که نظام قبیله‌ای عرب همه ارزش‌های انسانی را مختص

پسر می‌داند و دختر را فاقد هر گونه فضیلت و اصالت بشری

می‌شمرد از جایگاه ویژه حضرت زهرا در همان دوران نوشته

است. او می‌گوید: «در چنین جامعه‌ای که ننگ دختر بودن

معرفی کتاب

«فاطمه فاطمه است»، شاید این جمله را به واسطه کتاب

علی شریعتی بارها شنیده باشیم. علی شریعتی اولین بار

در ۱۴ تیر ۱۳۵۰ در حسینیه ارشاد درباره شخصیت حضرت

فاطمه (س) سخنرانی کرد. این سخنرانی پس از اصلاحاتی

در همان سال و در قالب یک کتاب ۲۱۶ صفحه‌ای چاپ شد.

شریعتی این کتاب را الگویی برای زنان دانسته که نه در

قالب‌های سنتی قدیم‌مانده اند و نه قالب‌های جدید را

پذیرفته‌اند و می‌خواهند خود را بسازند و نیازمند الگو هستند.

به گفته شریعتی، شخصیت حضرت فاطمه (س)، پاسخی به

پرسش‌های این دسته از زنان است.

او در شروع کتابش می‌پرسد که چگونه باید بود و چگونه باید

زندگی کرد و در ادامه پاسخ می‌دهد: «جواب این سوال در

سیمای زنی است که هیچ‌اثر نمی‌شناسیم و در زیر تکرار

بی‌معنا و دائمی نامش و تکرار مدح‌ها و ثنای‌ها شاعرانه

تکراری و اثری که خالی از اثر شده خود شخصیتش که

مجهول‌مانده را نشان دهد. اما فاطمه شخصیتی است که

همان اول او را دختر پیامبر می‌دانیم و همسر علی. با اینکه

فاطمه خود ملاکی است.»

